

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir

PhDTest.ir



پاسخ تشریحی سوالات زبان عمومی
گروه علوم انسانی، کشاورزی و هنر
آزمون نیمه متمرکز دکتری ۹۴

پی اچ دی تست؛ نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

PART A: Grammar

Directions: Select the answer choice (1), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

131- An impressive set of studies demonstrates that cognitive development during the school years by complex and demanding work without close supervision and by high teacher expectations.

- 1) is enhanced
2) which is enhanced
3) which has been enhanced
4) and has enhanced

۱۳۱- گزینه ۱ صحیح است.

demonstrate یک reporting verb است که در صورت سؤال با الگوی that clause بدین شکل مورد استفاده قرار گرفته است: reporting verb + that + subject + verb

در صورت سؤال نهاد جمله‌واره development است، اما فعلی در جمله‌واره وجود ندارد. بنابراین در جای خالی باید فعلی برای نهاد قرار گیرد. همچنین با توجه به عبارت by complex and demanding work که بعد از جای خالی آمده است، می‌توان دریافت که فعل مجهول است.

132- With its radiant color and plantlike shape, the sea anemone a flower than an animal.

- 1) is looking more like
2) looks more like
3) is looking the same
4) looks the same

۱۳۲- گزینه ۲ صحیح است.

با توجه به این که صورت سؤال در مورد حقیقتی است که همیشه درست است، زمان فعل باید حال ساده باشد. همچنین با توجه به حضور than باید صفت تفضیلی داشته باشیم.

133- In about 387 BC Plato the Academy as an institute for the systematic pursuit of philosophical and scientific teaching and research.

- 1) was founded
2) who founded
3) who had founded
4) founded

۱۳۳- گزینه ۴ صحیح است.

Plato فاعل جمله و Academy مفعول جمله است، اما فعل نداریم. بنابراین در جای خالی باید فعل قرار گیرد و چون فاعل موجود است، فعل معلوم خواهد بود.

134- Oil spills can occur on land or in rivers and lakes, but the most serious spills tend to involve tankers the open seas.

- | | |
|---------------------|--------------------|
| 1) that travel | 2) in which travel |
| 3) that they travel | 4) when travel |

۱۳۴- گزینه ۱ صحیح است.

spills فاعل جمله اصلی و tend to involve فعل جمله اصلی و tankers مفعول است. بنابراین در جای خالی می‌تواند جمله‌واره وصفی برای tankers قرار گیرد.

135- Despite intensive research into causes and treatments, a constant threat and topic for discussion for many researchers.

- | | |
|---------------------------|--------------------------|
| 1) the cancer remains of | 2) but cancer remains of |
| 3) but the cancer remains | 4) cancer remains |

۱۳۵- گزینه ۴ صحیح است.

بعد از despite اسم و یا مصدر با فرم ing به کار می‌رود.

به عنوان مثال:

Despite all his money, he refused to buy a new car.

Despite having enough money, he refused to buy a new car.

بنابراین برای جای خالی نیاز به فاعل و فعل داریم.

136- Neither sympathy nor empathy is identical to the “I know how you feel” type of response that some people offer when another’s expression of emotion.

- | | |
|--------------------|---------------|
| 1) are facing to | 2) faced with |
| 3) they faced with | 4) facing to |

۱۳۶- گزینه ۲ صحیح است.

در این سؤال در جای خالی یک جمله‌واره قیدی بدین شکل وجود داشته است:

Neither sympathy nor empathy is identical to the “I know how you feel” type of response that some people offer *when they are faced with another’s expression of emotion.*

عبارت قیدی می‌تواند به صورت خلاصه ظاهر شود، بدین صورت که قید ربط باقی مانده و فعل be و فاعل حذف می‌شود.

بنابراین جمله‌واره قیدی جمله فوق به شکل زیر کوتاه می‌شود:

Neither sympathy nor empathy is identical to the “I know how you feel” type of response that some people offer *when faced with another’s expression of emotion.*

137- Critics often claim that Don Quixote, he would undoubtedly be an obscure writer in world literature today.

- 1) Cervantes had not written
- 2) if Cervantes would not write
- 3) had Cervantes not written
- 4) if Cervantes did not write

۱۳۷- گزینه ۳ صحیح است.

پس از that باید یک جمله‌واره بیاید، بنابراین در جای خالی بخشی از جمله‌واره قرار می‌گیرد. با توجه به ویرگولی که در انتهای جمله‌واره قرار گرفته است، این جمله‌واره باید با یک حرف ربط (ربط‌دهنده) همراه باشد.

در ساختارهای مشخصی که فعل کمکی had باشد و ربط‌دهنده شرطی if باشد، می‌توان if را حذف کرده و در این صورت فعل و فاعل را جابجا کرد.

در صورت سؤال، ربط‌دهنده شرطی if و فعل had not written بوده است:

Critics often claim that *if Cervantes had not written* Don Quixote, he would undoubtedly be an obscure writer in world literature today.

که فعل و فاعل پس از حذف if جابجا شده است:

Critics often claim that *had Cervantes not written* Don Quixote, he would undoubtedly be an obscure writer in world literature today.

138- Although Freud himself was primarily concerned with research and psychoanalytic theory rather than with therapy, many people would like to know today, and whether it is considered an effective treatment for neurotic disorders.

- 1) how psychoanalysis stands
- 2) that how psychoanalysis stands
- 3) that how does psychoanalysis stand
- 4) how does psychoanalysis stand

۱۳۸- گزینه ۱ صحیح است.

در جای خالی عبارتی اسمی قرار می‌گیرد که نقش مفعولی برای فعل know دارد. برای ساختن یک عبارت اسمی از یک جمله سؤالی با کلمه پرسشی، باید این جمله را به صورت خبری بعد از فعل جمله اصلی نوشت.

در صورت سؤال، جمله دو قسمت داشته است:

... many people would like to know how does psychoanalysis stand ...

قسمت اول، قسمت اصلی است و قسمت دوم، قسمت وابسته یا فرعی است که باید از حالت سؤالی به حالت خبری تبدیل شود تا جمله صحیح باشد:

... many people would like to know how psychoanalysis stands ...

PART B: Vocabulary

Directions: Select the answer choice (1), (2), (3), or (4) that could best complete the blank in the following questions. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

139- Although aluminum is not a heavy metal, evidence suggests that this substance may be harmful to our health.

- 1) simulated 2) duplicated 3) accumulated 4) inundated

۱۳۹- گزینه ۳ صحیح است.

«اگر چه آلومینیوم فلزی سنگین است، شواهد حاکی از آن است که این ماده ممکن است برای سلامتی ما مضر باشد.»
(۱) ساختگی، مصنوعی؛ (۲) تکراری؛ (۳) انباشته، جمع شده، انبوه؛ (۴) اشباع شده، سیل زده

140- Anorexia nervosa, self-induced starvation out of an intense fear of becoming, was first described 100 years ago.

- 1) gullible 2) maniac 3) skeptical 4) obese

۱۴۰- گزینه ۴ صحیح است.

«کم‌اشتهایی عصبی، گرسنگی خودالقایی که ناشی از ترس شدید از شدن است، اولین بار ۱۰۰ سال پیش مطرح شد.»
(۱) زودباور، ساده دل؛ (۲) دیوانه، شیدا؛ (۳) شکاک؛ (۴) چاق

141- Located between Germany and France and in of other European nations, the region known as Alsace has attracted travelers as well as invaders through history.

- 1) diversity 2) proximity 3) superiority 4) immunity

۱۴۱- گزینه ۲ صحیح است.

«منطقه‌ای که با نام ایالت آلزاس شناخته می‌شود، بین آلمان و فرانسه و در سایر ملل اروپایی واقع شده است، مسافران و مهاجرانی را در طول تاریخ به سمت خود کشانده است.»

(۱) تنوع، گوناگونی؛ (۲) مجاورت، نزدیکی؛ (۳) برتری، ارجحیت؛ (۴) ایمنی، مصونیت

142- The defense attorney was not able to find a witness whose version of the incident with that of the accused.

- 1) contended 2) congregated 3) contemplated 4) concurred

۱۴۲- گزینه ۴ صحیح است.

«وکیل مدافع نتوانست شاهدهی پیدا کند که روایتش از واقعه با [روایت] متهم»

(۱) مبارزه کرد، جنگید؛ (۲) گرد آمد، جمع شد (۳) تفکر و عبادت کرد، ژرفاندیشی کرد؛ (۴) موافق باشد، هم‌صدا باشد

143- The airplane crash was tragic, killing many people immediately and inflicting injuries on others that would eventually prove

- 1) stealthy 2) cynical 3) fatal 4) hostile

۱۴۳- گزینه ۳ صحیح است.

«سانحه هوایی دلخراش بود، در همان لحظه باعث مرگ مردم بسیار و ایجاد آسیب به دیگران شد که در نهایت بوده است.»

(۱) پنهان، مخفی؛ (۲) بدبین، بدگمان؛ (۳) مهلک، مرگبار؛ (۴) متخاصم، پرکینه، غیردوستانه

144- The pioneers who lived through the first hitted winters in the rugged wilderness must have had remarkable

- 1) magnificence 2) stamina 3) seclusion 4) precision

۱۴۴- گزینه ۲ صحیح است.

«مهاجران اولیه که در زمستان‌های سرد اولیه در طبیعت بکر ناملاپم زیسته‌اند، قطعاً فوق‌العاده‌ای داشته‌اند.»

(۱) جلال، شکوه؛ (۲) طاقت، تحمل، استقامت؛ (۳) انزوا، گوشه‌گیری؛ (۴) دقت، موشکافی

145- With it is easy to say that they should not have released the man. I wonder how they could ever trust such a person.

- 1) hindrance 2) hindsight 3) homogeneity 4) humility

۱۴۵- گزینه ۲ صحیح است.

«با به سادگی می‌توان گفت که آنها نباید مرد را آزاد می‌کردند. در تعجبم که آنها چگونه توانسته‌اند به چنین فردی اعتماد کنند.»

(۱) ممانعت، جلوگیری؛ (۲) واپس‌نگری، توجه به گذشته؛ (۳) همگنی؛ (۴) فروتنی

146- While there are numerous talks and courses that focus on presentation techniques, the best way to presentation skills is through practice and experience.

- 1) hone 2) divulge 3) curtail 4) exploit

۱۴۶- گزینه ۱ صحیح است.

«در حالی که سخنرانی‌ها و دوره‌های بسیاری وجود دارد که بر تکنیک‌های ارائه تأکید می‌کند، بهترین روش برای مهارت‌های اولیه ارائه، تمرین و ممارست است.»

(۱) پرورش دادن، زبردست کردن؛ (۲) آشکار کردن، آگاهی دادن؛ (۳) خلاصه کردن، کاستن؛ (۴) سواستفاده کردن، بهره‌کشی کردن

147- Although no one was interested in buying Vincent Van Gogh's paintings during his lifetime, they now sell for prices.

- 1) equivocal 2) exuberant 3) exorbitant 4) eccentric

۱۴۷- گزینه ۳ صحیح است.

«در حالی که هیچ کس تمایلی به خرید نقاشی‌های ون‌سان ونگوگ در زمان حیاتش نداشت، در حال حاضر آنها با قیمت‌های فروخته می‌شوند.»

(۱) گنگ، دوپهلو؛ (۲) انبوه، پرپشت؛ (۳) گزاف، نامعقول، سرسام‌آور؛ (۴) عجیب و غریب، غیرعادی

148- The ability of the Wright brothers to analyze a mechanical problem and move toward a solution was apparent from the of their work in aeronautics.

- 1) vigilance 2) foresight 3) charisma 4) outset

۱۴۸- گزینه ۴ صحیح است.

«توانایی برادران رایت برای تحلیل مشکل مکانیکی و گام برداشتن به سوی راه‌حل، از کار آنها در هوانوردی پیدا بود.»

(۱) هشیاری، مراقبت، مواظبت؛ (۲) آینده‌نگری، احتیاط؛ (۳) جاذبه؛ (۴) آغاز، ابتدا، شروع

149- Mr. Collins was fast becoming an member of the office, so they had no choice but to offer him a higher salary to stay on.

- 1) indispensable 2) indomitable 3) incompatible 4) inadvertent

۱۴۹- گزینه ۱ صحیح است.

«آقای کولینز به سرعت تبدیل به یک عضو اداره گردید، بنابراین آنها انتخابی به جز پیشنهاد حقوقی بالاتر به او جهت ادامه نداشتند.»

(۱) ضروری، لازم، کنارنگذاشتنی؛ (۲) سلطه‌ناپذیر، شکست‌ناپذیر؛ (۳) ناسازگار، مغایر؛ (۴) غیرعمدی، ندانسته، ناخواسته

150- The open-minded minister who disagreed with the monarch's views was inevitably ousted and replaced by someone more

- 1) superfluous 2) sumptuous 3) superficial 4) subservient

۱۵۰- گزینه ۴ صحیح است.

«وزیر بی‌طرف که با عقاید پادشاه مخالفت می‌کرد، اجباراً برکنار شد و با فردتری جایگزین شد.»

(۱) غیرضروری، زائد؛ (۲) پرهزینه، مجلل؛ (۳) سطحی، سرسری، کم‌عمق؛ (۴) فرمانبردار، نوکرصفت، خادم‌مسلك

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following two passages and select the best choice (1), (2), (3), or (4) that best answers each question. Then mark your answer on your answer sheet.

«راهنمایی: گزینه ۱، ۲، ۳ یا ۴ که به بهترین شکل جای خالی در سؤالات ذیل را تکمیل می‌کند، انتخاب کنید. سپس گزینه صحیح را در پاسخنامه خود علامت بزنید.»

Passage 1:

The human ABO blood groups were discovered by Austrian-born American biologist Karl Landsteiner in 1901. Landsteiner found that there are substances in the blood, antigens and antibodies, that induce clumping of red cells when red cells of one type are added to those of a second type. He recognized three groups...A, B, and O...based on their reactions to each other. A fourth group, AB, was identified a year later by another research team. Red cells of the A group clump with donor blood of the B group; those of the B group clump with blood of the A group; those of the AB group clump with those of the A or the B group because AB cells contain both A and B antigens; and those of the O group do not generally clump with any group, because they do not contain either A or B antigens. The application of knowledge of the ABO system in blood transfusion practice is of enormous importance, since mistakes can have horrible consequences. In 1914 sodium citrate was added to freshly drawn blood to prevent clotting. Blood was occasionally transfused during World War I, but three-quarters of a pint was considered a large amount. These transfusions were given by directly linking the vein of a donor with that of the recipient. The continuous drip method, in which blood flows from a flask, was introduced by Hugh Marriott and Alan Kekwick at the Middlesex Hospital, London, in 1935.

The discovery of the Rh system by Landsteiner and Alexander Wiener in 1940 was made because they tested human red cells with antisera (animal or human serum containing antibodies specific for one or more antigens) developed in rabbits and guinea pigs by immunization of the animals with the red cells of rhesus monkey *Macaca mulatta*. Other blood groups were identified later, such as Kell, Diego, Lutheran, Duffy, and Kidd. The remaining blood group systems were first described after antibodies were identified in patients. Frequently, such discoveries results from the search for the explanation of an unexpected unfavorable reaction in a recipient after a transfusion with formerly compatible blood.

گروه‌های خونی ABO انسان، توسط زیست‌شناس آمریکایی متولد اتریش، کارل لندشتاینر در سال ۱۹۰۱ کشف شد. لندشتاینر دریافت که در خون موادی به عنوان آنتی‌ژن و آنتی‌بادی وجود دارند که گلبول‌های قرمز را زمانی که گلبول‌های قرمز یک نوع به [گلبول‌های قرمز] نوع دیگری اضافه می‌شوند، وادار می‌کند با هم گروه تشکیل دهند. او این سه گروه خونی شامل A، B و O را بر اساس عکس‌العمل آنها نسبت به هم شناسایی کرد. یک سال بعد، گروه چهارمی به نام AB توسط گروه تحقیقاتی دیگری شناسایی شد. گلبول‌های قرمز گروه A با خون دهنده گروه B، یک گروه تشکیل می‌دهند. همچنین گلبول‌های قرمز گروه B با خون گروه A، گروه تشکیل می‌دهند. گلبول‌های قرمز گروه AB نیز با گروه A و B، گروه تشکیل می‌دهند چرا که گلبول‌های AB شامل آنتی‌ژن‌های هر دو گروه A و B هستند. گلبول‌های قرمز گروه O نیز با هیچ گروهی

تجمیع نمی‌شوند، چرا که آنتی‌ژن‌های گروه A و B را ندارند. کاربرد دانش سیستم‌های ABO در عمل تزریق خون بسیار مهم است، چرا که اشتباهات، عواقب سنگینی در پی خواهند داشت. در سال ۱۹۱۴ سیترات سدیم به خون تازه اضافه شد، تا از لخته شدن آن جلوگیری کند. در طی جنگ جهانی اول، در پاره‌ای موارد تزریق خون صورت می‌گرفت، اما سه چهارم یک پینت، مقدار زیادی تلقی می‌شد. این تزریقات از طریق ارتباط مستقیم رگ دهنده با رگ دریافت‌کننده صورت می‌گرفت. روش چکاندن مستمر که در آن جریان خون از یک فلسک جریان پیدا می‌کرد، توسط هاگ ماریوت و آلن ککویک در بیمارستان میدلزاکس لندن در سال ۱۹۳۵ کشف شد.

سیستم Rh توسط لندشتاینر و الکساندر وینر در سال ۱۹۴۰ کشف شد. چون آنها گلبول‌های قرمز انسان را با آنتی‌سرم (خونابه انسان یا حیوان شامل آنتی‌بادی‌های مخصوص یک یا تعداد بیشتری آنتی‌ژن) مربوط به خرگوش و خوک‌های گینه از طریق ایمن‌سازی حیوانات با گلبول‌های قرمز میمون رزوس، ماکاکا مالاتا تست کردند. بعدها سایر گروه‌های خونی، نظیر کِل، دیه‌گو، لاسران، دافی و کید شناسایی شدند. سیستم‌های سایر گروه‌های خونی اولین بار پس از شناسایی آنتی‌بادی‌ها در بیماران، توصیف شدند. غالباً چنین کشف‌هایی، نتیجه جست‌وجو جهت توضیح در مورد عکس‌العمل ناخوشایند و پیش‌بینی نشده در یک گیرنده پس از تزریق خونی که قبلاً سازگار بوده است، بودند.

151- What is the passage mainly about?

- 1) Early attempts at blood transfusion
- 2) Great medical achievements in the 20th century
- 3) Discovery of human blood groups and the Rh system
- 4) Blood transfusion in World War I

۱۵۱- گزینه ۳ صحیح است.

- متن عمدتاً درباره چیست؟

(۱) تلاش‌های اولیه جهت انتقال خون

(۲) دستاوردهای پزشکی بزرگ در قرن ۲۰

(۳) کشف گروه‌های خونی انسان و سیستم Rh

(۴) انتقال خون در جنگ جهانی اول

از کنار هم قرار دادن دو جمله ابتدایی پاراگراف اول و دوم، گزینه ۳ حاصل می‌شود.

152- Which of the following is NOT true about the AB blood group?

- 1) It was discovered by Karl Landsteiner
- 2) It was discovered in the early 20th
- 3) The red cells of the AB group clump with those of the A or the B group.
- 4) AB cells carry both A and B antigens.

۱۵۲- گزینه ۱ صحیح است.

- کدام یک از موارد زیر در مورد گروه خونی AB صحیح نیست؟

(۱) توسط کارل لندشتاینر کشف شد.

۲) در اوایل قرن بیستم کشف شد.

۳) سلول‌های قرمز گروه AB با آنهایی که از گروه A یا B بوده‌اند، تجمع نمی‌شوند.

۴) سلول‌های AB هر دو آنتی‌ژن A و B را حمل می‌کنند.

در متن اشاره شده که گروه‌های خونی A، B و O توسط کارل لندشتاینر کشف شدند و گروه AB توسط گروه تحقیقاتی دیگری شناسایی شده است.

153- What does "that" in paragraph 1 refer to?

- 1) Linking 2) Donor 3) Recipient 4) Vein

۱۵۳- گزینه ۴ صحیح است.

- واژه «that» در پاراگراف اول به چه چیزی اشاره دارد؟

(۱) ارتباط؛ (۲) دهنده؛ (۳) گیرنده؛ (۴) رگ

154- Which of the following animals does the author NOT mention in the passage?

- 1) Monkeys 2) Rats 3) Rabbits 4) Guinea pigs

۱۵۴- گزینه ۲ صحیح است.

- کدام یک از حیوانات ذیل، توسط نویسنده ذکر نشده است؟

(۱) میمون‌ها؛ (۲) موش‌ها؛ (۳) خرگوش‌ها؛ (۴) خوک‌های گینه

در ابتدای پاراگراف دوم همه موارد بجز گزینه ۲ ذکر شده است.

155- Which of the following can be inferred from the passage?

- 1) The continuous dip method was first practiced during World War I to transfuse three-quarters of a pint of blood.
- 2) The Rh system was discovered by Karl Landsteiner and his colleague at the Middlesex Hospital, London.
- 3) Other blood groups were later identified because the outcome of a number of blood transfusions was not successful.
- 4) Adding sodium citrate to fresh blood to prevent clotting resulted in discovery of the Rh system.

۱۵۵- گزینه ۳ صحیح است.

- کدام یک از موارد زیر را می‌توان از متن استنباط کرد؟

(۱) روش چکاندن مستمر برای اولین بار در طول جنگ جهانی اول برای انتقال سه چهارم یک پینت خون استفاده شد.

(۲) سیستم Rh توسط کارل لندشتاینر و همکارش در بیمارستان میدلزاکس لندن کشف شد.

(۳) گروه‌های خونی دیگری بعدها شناسایی شد، به این دلیل که نتیجه تعدادی از تزریق‌های خون موفقیت‌آمیز نبود.

(۴) اضافه کردن سیترات سدیم به خون تازه برای جلوگیری از لخته شدن منجر به کشف سیستم Rh گردید.

جمله آخر متن به گزینه ۳ موضوع اشاره کرده است.

Passage 2:

At the start of his career, Albert Bandura focused on learning. Most of the research at that time was concerned with learning from direct experience. At that time it was widely assumed that learning could only occur by responding to stimuli and experiencing their effects. Bandura felt that this line of theorizing was at odds with informal evidence that virtually all learning resulting from direct experience occurs on a vicarious basis -by observing other people's behavior and its consequences for them. Whereas behaviorism tended to emphasize the influence of the environment on behavior, Bandura was interested in the influence of behavior on the environment. In this respect his position is closer to that of Jacob Kantor, whose "interbehaviorism" argues that the organism and stimulus objects surrounding it should be treated as equally important, a position that presaged the emergence of ecological psychology. Bandura referred to his concept of environment -behavior interaction as "reciprocal determinism"- the notion that the environment and a person's behavior cause one other. He developed this idea to a point where he began to consider the interaction between environment, behavior and the person's psychological processes. Once he started to consider a role for mental imagery, he ceased to be a strict behaviorist and became a cognitive psychologist. Indeed, he is often regarded as a "founding father" of cognitive behaviorism. His theoretically ambitious Social Learning Theory (1977) set out to "provide a unified theoretical framework for analyzing human thought and behavior" (p.vi). While his introduction of cognitive concepts into behaviorism marked a clear departure from traditional behaviorism, it also marked a point where Bandura began to consider observational learning (modeling) and self-regulation. This interest led to a program of research on the determinants and mechanisms of observational learning and modeling of rule - governed behavior. He distinguished between three kinds of models: live (e.g. the behavior of a friend): symbolic (e.g. the behavior of an actor on TV); and verbal (e.g. the behavior of someone described in a short story or novel). The enormous advances in communication technology through the last century (from radio to television and the internet) mean that the symbolic environment plays an increasingly powerful role in shaping values, ideas, attitudes and lifestyles, so Bandura's work is particularly relevant to contemporary developments in the growth of information and communication technology.

آلبرت باندورا در آغاز حرفه‌اش بر یادگیری متمرکز شد. در آن زمان بیشتر تحقیقات در رابطه با یادگیری از طریق تجربه مستقیم بود. در آن زمان به شدت تصور می‌شد که یادگیری تنها می‌تواند از طریق پاسخ به محرک‌ها و تجربه کردن اثرات آنها صورت بگیرد. باندورا - از طریق مشاهده رفتار سایر افراد و عواقبش برای آنها - احساس کرد که این بخش از نظریه‌پردازی که تقریباً همه یادگیری‌های به دست آمده از تجارب مستقیم بر مبنای جانشینی اتفاق می‌افتد، در تضاد با مدارک غیررسمی است. در حالی که رفتارگرایی بر تأثیر محیط بر رفتار تأکید دارد، باندورا به تأثیر رفتار بر محیط علاقه‌مند بود. در این رابطه، موقعیتش به موقعیت ژاکوب کانتور نزدیک‌تر است، کسی که نظریه رفتارگرایی درونی‌اش به این مسأله اشاره دارد که موجود زنده و اشیای محرک اطراف آن باید به یک اندازه مهم در نظر گرفته شوند، موقعیتی که ظهور روانشناسی زیست‌محیطی را پیش‌گویی کرده است. باندورا به مفهوم ارائه شده‌اش از محیط رجوع کرد - تعامل رفتار به عنوان «جبر متقابل» - نظریه‌ای که اشاره به تأثیر محیط و رفتار یک فرد بر دیگری دارد. او این ایده را به مرحله‌ای توسعه داد که شروع به در نظر گرفتن تعامل

بین محیط، رفتار و فرایندهای روانشناختی فرد کرد. زمانی که او شروع به در نظر گرفتن نقشی برای تصویرسازی ذهنی کرد، از یک رفتارگرای سخت‌گیر به یک روانشناس شناختی تبدیل شد. در واقع او اغلب به عنوان پدر روانشناسی شناختی، شناخته می‌شود. نظریه بلندپروازانه «یادگیری اجتماعی» او در سال ۱۹۷۷ یک چارچوب نظری یکپارچه برای تحلیل تفکر و رفتار انسان فراهم کرد. در حالی که معرفی او از مفاهیم شناختی در رفتارگرایی، انحرافی مشخص نسبت به رفتارگرایی سنتی به وجود آورد، نقطه عطفی را ایجاد کرد که باندورا از آن به بعد یادگیری مشاهده‌ای (مدل‌سازی) و قاعده‌های شخصی را شروع کرد. این علاقه، به برنامه‌های تحقیقاتی در مورد عوامل و مکانیزم‌های یادگیری مشاهده‌ای و مدل‌سازی رفتار مبتنی بر قاعده منجر شد. او سه مدل متفاوت را بیان کرد: زنده (مثلاً رفتار یک دوست)، نمادین (مثلاً رفتار یک بازیگر در تلویزیون) و شفاهی (مثلاً رفتار کسی که در یک داستان کوتاه یا رمان، توصیف شده است). پیشرفت‌های چشمگیر در فناوری ارتباطات طی قرن اخیر، (از رادیو تا تلویزیون و اینترنت) به این معناست که محیط نمادین نقشی قدرتمند در شکل‌دهی ارزش‌ها، ایده‌ها، دیدگاه‌ها و شیوه‌های زندگی بازی می‌کند. بنابراین کار باندورا دقیقاً مرتبط با پیشرفت‌های معاصر در رشد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات است.

156- Which of the following is TRUE about Bandura's early research?

- 1) He was interested in collecting informal evidence to prove his learning theories.
- 2) He argued that the organism is much more important than the stimulus objects surrounding it.
- 3) He was interested in studying the mutual relationship between the behavior and the environment.
- 4) He believed that learning occurs by responding to external stimuli.

۱۵۶- گزینه ۳ صحیح است.

- کدام یک از موارد زیر در مورد تحقیقات اولیه باندورا درست است؟

- ۱) او علاقه‌مند به جمع‌آوری شواهد غیررسمی برای اثبات نظریه‌های یادگیری خود بود.
 - ۲) او استدلال کرد که موجود زنده بسیار مهم‌تر از اشیای محرک اطراف آن است.
 - ۳) او علاقه‌مند به مطالعه روابط متقابل بین رفتار و محیط بود.
 - ۴) او معتقد بود که یادگیری با پاسخ به محرک‌های خارجی رخ می‌دهد.
- این جمله در متن آورده شده است که «او این ایده را به مرحله‌ای توسعه داد که شروع به در نظر گرفتن تعامل بین محیط، رفتار و فرایندهای روان‌شناختی فرد کرد.»

157- Why is Bandura known as a founding father of cognitive behaviorism?

- 1) He was under the influence of Jacob Kantor's interbehaviorism.
- 2) He shifted his attention to the role of human thought and mental imagery.
- 3) He was an ambitious theoretician who had grown tired of classical behaviorism.
- 4) He was inspired by research findings in ecological psychology.

۱۵۷- گزینه ۲ صحیح است.

- چرا باندورا به عنوان پدر روانشناسی شناختی، شناخته می‌شود؟

- ۱) او تحت تأثیر رفتارگرایی درونی ژاکوب کانتور بود.
 - ۲) او توجه خود را به نقش تفکرات انسانی و تصویرسازی ذهنی تغییر داد.
 - ۳) او یک نظریه‌پرداز بلندپرواز بود که از رفتارگرایی کلاسیک خسته شده بود.
 - ۴) او از یافته‌های پژوهش در روانشناسی زیست‌محیطی الهام گرفته بود.
- در متن گفته شده است که «زمانی که او شروع به در نظر گرفتن نقشی برای تصویرسازی ذهنی کرد، از یک رفتارگرایی سخت‌گیر به یک روانشناس شناختی تبدیل شد. در واقع او اغلب به عنوان پدر روانشناسی شناختی، شناخته می‌شود.»

158- What does “he ceased to be a strict behaviorist” in line 15 mean?

- 1) He continued to be a faithful advocate of behaviorism.
- 2) He tried to be a conservative follower of behaviorism.
- 3) He strongly updated his behavioristic views.
- 4) He was no more a strong supporter of behaviorism.

۱۵۸- گزینه ۴ صحیح است.

- معنای «او رفتارگرایی سخت‌گیر بودن را متوقف کرد» در خط ۱۵ چیست؟

- ۱) او مدافع وفادار رفتارگرایی باقی ماند.
 - ۲) او تلاش کرد که دنباله‌روی محافظه‌کار رفتارگرایی باشد.
 - ۳) او به دشواری دیدگاه‌های رفتارگرایانه خود را به‌روز کرد.
 - ۴) اون دیگر یک مدافع محکم رفتارگرایی نبود.
- پیش از این جمله اشاره شده است که «او شروع به در نظر گرفتن نقشی برای تصویرسازی ذهنی کرد» و بنابراین نشان می‌دهد که اون دیگر فقط به رفتارگرایی معتقد نبوده است.

159- Which of the following can be inferred from the passage?

- 1) Though a psychologist, Bandura contributed significantly to information technology.
- 2) Bandura directed a research program that led to the discovery of rule-governed values.
- 3) The importance of Bandura's findings are highlighted by advances in communication technology.
- 4) Bandura worked on the concepts of modeling and self-regulated learning.

۱۵۹- گزینه ۳ صحیح است.

- کدام یک از گزینه‌های ذیل را می‌توان از متن استنتاج نمود؟

- ۱) اگر چه یک روانشناس، باندورا به طور قابل توجهی به فناوری اطلاعات کمک کرده است.
 - ۲) باندورا یک برنامه تحقیقاتی که به کشف ارزش‌های قانونی منجر شد را هدایت کرد.
 - ۳) اهمیت یافته‌های باندورا با پیشرفت‌هایی در فناوری ارتباطات برجسته شده است.
 - ۴) باندورا بر مفاهیم مدل‌سازی و قاعده‌های شخصی کار کرده است.
- خط ۲۱ متن به این امر اشاره کرده است.

160- Which of the following would the paragraph following the passage most probably discuss?

- 1) The relevance of symbolic behavior to an aspect of communication technology
- 2) The variables that attracted Bandura to directly work in information and communication technology
- 3) The difference between the symbolic environment and the one created by the growth of information and communication technology
- 4) The values that communication technology cannot aptly address

۱۶۰- گزینه ۱ صحیح است.

- کدام یک از موارد زیر، پاراگراف بعدی متن را به احتمال زیاد مورد بحث قرار می دهد؟

- ۱) ارتباط رفتار نمادین به جنبه‌ای از فناوری ارتباطات
 - ۲) متغیرهایی که باندورا را به کار کردن مستقیم بر فناوری اطلاعات و ارتباطات جذب کرد.
 - ۳) تفاوت بین محیط نمادین و (محیط) ایجاد شده توسط رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات
 - ۴) ارزش‌هایی که فناوری ارتباطات نمی تواند ماهرانه نشان دهد.
- دو جمله آخر متن، نشان می دهد که موضوع پاراگراف بعدی گزینه ۱ است.